



Jurisprudential Supports of Iran's Legislative Criminal Policy in Criminalizing Inflationary Measures

Syed Reza Ehsanpour¹, Rahmatallah Rezaei^{2*}

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 537-554

Article history:

Received: 24 Hun 2024

Edition: 22 Aug 2024

Accepted: 31tOct 2024

Published online: 5 Novo2024

Keywords:

criminalization, inflation, legislative criminal policy, inflationary measures.

Corresponding Author:

Rahmatallah Rezaei

Address:

Iran, Tehran, Payam-e Noor University, Faculty of Law and Social Sciences, Department of Law.

Orchid Code:

کد ارکید: ۰۰۰۰۰۰۰۱-۲۵۲۵-۰۲۲۸

Tel:

Email:

rahmatrezaei@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Ensuring economic order and security in the society is one of the important duties of governments, and legislators are supposed to implement criminal policies against disruptive behaviors in the economic situation. It is very clear that policies in an Islamic society must have jurisprudential support and be in accordance with the culture and beliefs of that society.

Materials and Methods: The present article is descriptive-analytical and the method of collecting information was done in a bibliographic manner by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the article, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: It seems that there has not been any research worthy of attention in this regard, and it is necessary to criminalize such behaviors, which have clearly been neglected in the legal body of the Iranian criminal system. The findings indicate that the criminalization of such behaviors has the necessary jurisprudential support and the principles and rules of jurisprudence in this field include "respecting property over falsehood", "harmless", "respecting cooperation over wrongdoing", "maintaining economic order and security" and "interestedness."

Conclusion: Inflationary measures should be separated from other economic crimes and recognized as an independent criminal behavior, and the delay will have extensive negative consequences.

Cite this article as:

Ehsanpour SR, Rezaei R. Jurisprudential Supports of Iran's Legislative Criminal Policy in Criminalizing Inflationary Measures. *Sonomic Jurisprudenne Stu2ies2* 2024.



پشتوانه‌های فقهی سیاست جنایی تقنینی ایران در جرم‌انگاری اقدامات تورم‌زا

سیدرضا احسانپورا، رحمت‌اله رضایی*۲

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تأمین نظم و امنیت اقتصادی در جامعه از وظایف مهم دولت‌هاست و بر قانون‌گذاران فرض است که در برابر رفتارهای اخلاقی‌کننده در اوضاع اقتصادی، اقدام به سیاست‌گذاری کیفی نمایند. پر واضح است که سیاست‌گذاری‌ها در یک جامعه اسلامی باید دارای پشتوانه‌های فقهی و در تطابق با فرهنگ و باور آن جامعه باشد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتاب‌خانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: به نظر می‌رسد تحقیق در خور توجهی در این خصوص صورت نگرفته و جرم‌انگاری این قبیل رفتارها که به‌طور مشخص در بدنه تقنینی نظام کیفری ایران مغفول مانده است ضروری است. یافته‌ها حاکی از آن است که تجزیه این قبیل رفتارها از پشتوانه‌های فقهی لازمی برخوردار است و اصول و قواعد فقهی در این زمینه عبارت از «حرمت اکل مال به باطل»، «لاضرر»، «حرمت تعاون بر اثم»، «حفظ نظم و امنیت اقتصادی» و «مصلحت‌گرایی» هستند.

نتیجه: اقدامات تورم‌زا باید از دیگر عناوین مجرمانه اقتصادی تفکیک و به‌عنوان یک رفتار مجرمانه مستقل شناخته شود و تأخیر در آن تبعات منفی گسترده‌ای بر جای خواهد گذاشت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳۷-۵۵۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژگان کلیدی:

جرم‌انگاری، تورم، سیاست جنایی تقنینی، اقدامات تورم‌زا.

نویسنده مسئول:

رحمت‌اله رضایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۲۲۸-۲۵۲۵-۰۰۱-۰۰۰

تلفن:

پست الکترونیک:

rahmatrezaei@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

با تکیه بر مبانی فقهی اصولی به شرح مبانی جرم-انگاری اقدامات تورم‌زا پرداخته و این پرسش را پاسخ دهد که چرا باید به جرم‌انگاری این قبیل اقدامات پرداخت و اساساً تجریم چنین رفتارهایی از پشتوانه فقهی لازم برخوردار است یا خیر.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمناً رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق در آن به-صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اقدامات تورم‌زا به‌عنوان یکی از عوامل مهم برهم زننده تعادل اقتصادی جامعه آن‌گونه که باید مورد توجه قانون-گذار قرار نگرفته است و تبعات منفی این قبیل رفتارها ایجاب می‌نماید تا با تفکیک آن‌ها از بقیه جرائم اقتصادی از سوی مقنن به‌طور جداگانه و صریح مورد جرم‌انگاری قرار بگیرد و برای این منظور از پشتوانه‌های فقهی محکم و قابل اعتنایی نیز می‌توان استفاده نمود.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد با این توضیح که ابتدا به تعریف

امروزه در ضرورت کنترل بر فشارهای تورمی تردیدی وجود ندارد و مبارزه صحیح با این پدیده شوم مستلزم شناخت ریشه تورم و سپس استفاده از ابزارهای مناسب برای مقابله با آن است. به‌طور کلی روش‌های مبارزه با تورم را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. یکی از آن‌ها اتخاذ روش‌های غیر کیفری است که شامل اعمال سیاست‌های پولی انقباضی از سوی بانک مرکزی، از جمله نرخ بهره، عملیات بازار باز و کنترل مستقیم اعتبارات، گرفتن مالیات سنگین و کاهش هزینه‌های دولت، کنترل مستقیم قیمت‌ها و افزایش تولید یا افزایش واردات به منظور بالا بردن عرضه، می‌باشد (عثمانی، ۱۳۸۹، ۲۰۵) و راه دیگر توسل به روش‌های کیفری است که شامل سیاست‌های جنایی تقنینی دولت در قبال جرائم اقتصادی و خصوصاً اقدامات تورم‌زا می‌باشد. با توجه به اینکه جرم‌انگاری این قبیل اقدامات که می‌توانند طیف گسترده و متنوعی از رفتارها را در بر بگیرند به‌طور مشخص و صریح در نظام حقوقی ایران فاقد سابقه است و فقط در ماده ۲۸۶ از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی به-طور کلی به اخلال در نظام اقتصادی به‌طور گسترده که مجازات حدی اعدام را در پی دارد اشاره کرده است و این اقدامات یا جزو مصادیق جرائم اقتصادی نظیر قاچاق کالا و ارز، پول‌شویی، احتکار، ربا و رباخواری، رشا و ارتشا و ... نیست یا هم‌پوشانی کاملی با این عناوین مجرمانه ندارد. چراکه هر کدام از این مصادیق تعریف خاص خود را دارند و این قبیل فعالیت‌ها می‌تواند به نحوی با برخی از جرائم اقتصادی مرتبط یا نتیجه برخی اقدام‌های اقتصادی ناسالم باشد جرم‌انگاری اقدامات تورم‌زا ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین پژوهش حاضر سعی بر این دارد

روز افزون بهای کالای تولید شده رشد می‌نماید، لذا همیشه تورم با افزایش قیمت‌ها یا کاهش قوه خرید واحد پولی همراه است و رابطه‌ای با افزایش نامعمول قیمت‌ها دارد (گولد، ۱۳۸۴، ۲۷۸).

۵-۱-۲. تعریف سیاست جنایی تقنینی

واژه سیاست به معنای تدبیر و تدبیر و چاره‌اندیشی می‌باشد (عمید، ۱۳۸۴، ج ۲، ۳۵۳) و در جنبه‌های گوناگون مانند: سیاست اقتصادی، سیاست فرهنگی و سیاست جنایی به کار برده شده است. سیاست جنایی معادل و مترادف «سیاست کیفری» به حساب می‌آید (لازرژ، ۱۳۸۲، ۵۲).

در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و پیش‌گیری از بزهکاری و نیز در جهت درمان و اصلاح بزهکاران روش‌ها و رویه‌های متفاوتی وجود دارد که مخصوص آن کشور بوده و معمولاً ناشی از فرهنگ عمومی و محصول اراده جمعی آن کشور می‌باشد، این اقدامات و روش‌ها سیاست جنایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. بنابر این سیاست جنایی داری دو مفهوم است:

الف) مفهوم مضیق: جرم‌انگاری و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین. هم‌چنان که در تعریف فوئرباخ سیاست جنایی به شیوه‌های سرکوبگر، اعمال شونده از سوی دولت و علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می‌توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی نامید.

ب) مفهوم موسع: سیاست جنایی نظر به تحولات و پیشرفت دانش حقوق جزا توسعه و انکشاف یافت که فون لیست در اواخر سده نوزدهم سیاست جنایی را «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به وسیله

تورم و علل آن و سپس به بررسی مبانی فقهی جرم-انگاری اقدامات تورم‌زا از منظر فقه امامیه پرداخته می‌شود.

۵-۱. واژه‌شناسی

قبل از ورود به تبیین پشتوانه‌های فقهی سیاست جنایی تقنینی در قبال جرم‌انگاری اقدامات تورم‌زا لازم است به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی واژه «تورم» پرداخته شود

۵-۱-۱. تعریف تورم

تورم ریشه در عربی دارد و از ورم گرفته شده است که به دو معنا به کار رفته است: ۱- ورم کردن. ۲- انتشار بی‌رویه اسکناس بدون تناسب با پشتوانه (فرهنگ معین، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۷۸). از نظر دانش اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود (بریتیش اینسایکلوپدیا، ۲۰۱۲، ۳۷۶۳).

تورم از نظر عموم مردم، عبارت است از افزایش عمومی سطح قیمت‌ها که در عین حال مترادف با کاهش ارزش پول است. گاهی تورم را وجود پول زیاد در مقایسه با میزان دادوستد می‌دانند. یکی از اقتصاددانان انگلیسی در تعریف ساده ولی مشهور تورم را افزایش نامنظم و افسارگسیخته قیمت‌ها می‌داند (علی ماجدی؛ گلریز، ۱۳۶۸، ۱۱۰).

تورم اقتصادی به وضعیتی دلالت دارد که در آن تقاضای پولی برای محصول نسبت به تولید، رشد می‌کند، وضعیتی که در صورت عدم کنترل به شکل

تمایلات، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه دانست» (طیاری، ۱۳۸۲، ۱۲۲).

امروزه سیاست جنایی تقنینی ایران اعم از اقدامات سرکوبگر و اقدامات پیش‌گیرانه است. ابزار اقدامات سرکوبگر همان توسل به تدابیر کیفری و مجازات است ولی ابزار اقدامات پیش‌گیرانه، تدابیر غیر کیفری است و مبتنی بر اجتماع نهادهای مدنی است که هر دو اقدام به منظور کنترل پدیده کیفری و انحرافات اجتماعی اعمال می‌شوند.

۵-۲. اصول و قواعد فقهی

در اینجا مهم‌ترین اصول و قواعد فقهی در رابطه با مبارزه علیه اقدامات تورم‌زا که می‌توان از طریق آن‌ها حکم به تحریم و مجازات چنین رفتارهایی را استنباط نمود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱. قاعده افساد فی الارض

امنیت یکی از آرزوهای عمومی هر جامعه است و هر حکومتی با استفاده از روش‌های مختلف در تلاش است آن را به بهترین وجه برای مردم خود فراهم نماید و یکی از این راه‌ها جرم‌انگاری رفتارهای مغایر نظم و امنیت عمومی است که در بعضی از حالات نظیر افساد فی الارض و بغی و محاربه می‌تواند مجازاتی هم چون اعدام را در پی داشته باشد. افساد فی الارض ریشه ای قرآنی دارد و در آیه ۳۳ سوره مائده به آن اشاره شده است و روایات فراوانی به آن اشاره کرده (طوسی، ۱۳۶۵ق، ۱۳۱؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۱۶۲) و به تبع این دو در بسیاری از کتب فقهی به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ۵۷۰ و موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۴۹۲ و طوسی، ۱۴۰۰ق، ۷۹۰) واژه افساد، از «فسد» گرفته شده

آن‌ها مبارزه علیه بزه را سازمان می‌بخشد» تعریف می‌کند (قیاسی، ۱۳۸۵، ۷۲). از نظر دلماس مارتی «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌ها را به پدیده مجرمانه سازمان می‌بخشد» که عبارت «هیئت اجتماع» علاوه بر نهادهای مختلف دولتی، جامعه مدنی را نیز در سازماندهی مقابله با پدیده مجرمانه سهیم می‌گرداند (حسینی، ۱۳۸۶، ۳۹).

امروزه در مفهوم موسع، سیاست جنایی عبارت است از همه تدابیر و اقدام‌های پیش‌گیرانه و سرکوبگرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیش‌گیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به کار برده می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ۱۱). در ایران اصطلاح سیاست جنایی در ابتدا مفهوم مضیق داشته و تقریباً مترادف با سیاست کیفری بوده است؛ ولی به مرور زمان مفهوم موسع خود را یافته است.

سیاست جنایی را نظر به مراجع اعمال‌کننده آن می‌توان به سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی تقسیم کرد از آنجایی که متعلق بحث در اینجا سیاست جنایی تقنینی ایران است صرفاً به تعریف آن پرداخته می‌شود: «مجموعه قواعد و مقررات و به‌طور کلی قانون به‌عنوان نماینده و نمودی از تدابیر و تفکرات، تبیین‌کننده اصول و مبانی اهداف سیاست جنایی می‌باشد. البته قانون مهم‌ترین منبع یک سیاست جنایی مطلوب نیز محسوب می‌شود. قانون بیانگر اندیشه‌ها و تدابیر، روش‌ها، اصول و مبانی سیاست جنایی یک کشور در مقابله با جرم و انحرافات اجتماعی است که باید آن را برگرفته از

۱۳۹۲ افساد فی‌الارض را در بدنه تقنینی خود گنجانده است و در سه حالت آن را جرم‌انگاری می‌کند که در شدیدترین مجازات آن که اعدام است باید سوء نیت‌های مندرج در ماده از جمله قصد اخلال گسترده در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی و نیز ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا احراز گردد تا مرتکب به اعدام محکوم شود و در مراحل بعدی در صورت عدم احراز قصدهای فوق در صورتی که عمل ارتكابی عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد به همان عنوان و در غیر آن مشمول حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم خواهد شد. پر واضح است بسیاری از اقدامات تورم‌زا مصداق شکل اول جرم افساد فی‌الارض نیستند و به همین دلیل نمی‌توان مجازات اعدام را در مورد آنان به کار بست و از طرفی تحت عنوان مجرمانه دیگری نیز قرار نمی‌گیرند و لاجرم برای جرم‌انگاری آن‌ها باید متوسل به عناوین مجرمانه کلی دیگری نظیر فرض سوم ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی شد که نظر به اهمیت مسئله رها کردن جزئیات آن به این شکل شایسته به نظر نمی‌رسد.

۵-۲-۲. قاعده حرمت اکل مال باطل

یکی از مبانی مهم فقهی که در جهت سیاست-گذاری کیفری در حوزه اقتصاد قرار دارد، قاعده فقهی «اکل مال باطل» است که مفاد این قاعده دلالت بر این دارد که تصرف در اموال مردم بدون رضایت آنان و یا کسب اموال نامشروع که با اصول و احکام اقتصاد اسلامی سازگار نیست حرام می‌باشد. در این زمینه، آیات مختلفی از قرآن کریم و احادیث زیادی آماده است که به قاعده «اکل مال به باطل» اشاره دارند از جمله در آیه ۲۹ سوره نساء، خداوند متعال می‌فرماید:

است که در مقابل اصلاح و به معانی فاسد کردن یا تباه ساختن است، فساد در مقابل صلاح و خروج شیء از حالت اعتدال را گویند، مفسده نیز در مقابل مصلحت است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ۵۱۸۳).

افساد درجات مختلفی دارد و همین که بعد از ذکر محاربه با خدا و رسول جمله «و یسعون فی‌الارض فسادا» در آیه فوق‌الذکر آمده است فهمیده می‌شود که اجرای احکام چهارگانه مذکور در آیه (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پای مخالف هم، یا تبعید) در مطلق جرائم محاربه و افساد فی‌الارض منظور نیست؛ بلکه باید دارای قیودی باشد و از آن جمله می‌توان به اخلال در امنیت عمومی و راهزنی اشاره کرد (طباطبائی، ۵، ۳۲۶). چراکه همه مفسده‌ها در یک درجه نیستند و نمی‌توان برای مفسده‌های مختلف یک نوع مجازات لحاظ کرد؛ بلکه ملاک، گسترده بودن جرم و اخلال امنیت عمومی است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ۳۲). پس در مورد مجازات محاربه می‌توان اینگونه گفت که چون درجه فساد آن بالا است یکی از احکام چهارگانه درباره او اجرا می‌شود؛ اما نباید در مورد محتکر چنین حکم نمود. زیرا فسادی که در عمل احتکار است نسبت به فساد محارب قابل مقایسه نمی‌باشد (مرعشی، ۱۳۷۷، ۱۶). البته کلام محقق محترم در خصوص احتکار ناظر به وجهی است که این عمل تبعات گسترده در جامعه نداشته باشد و ناگفته پیدا است اگر اقدامات تورم‌زا موجب اخلال در امنیت اقتصادی شود که از شئون مهم امنیت است می‌توان آن را مشمول این قاعده دانست.

مقنن نیز به تبع شارع حکیم در ماده ۲۸۶ و تبصره آن از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مصوب

را نیز شرط می‌داند. نسبت بین مال و ملک عموم و خصوص من وجه است (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۱۴۲؛ طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۳۴).

نکته مهم دیگر اینکه به نظر می‌رسد حرمت ناشی از این قاعده هم شامل حرمت تکلیفی است یعنی فاعل چنین رفتارهایی فعل حرامی را مرتکب شده است و هم این حرمت می‌تواند دارای آثار وضعی خاص خود نظیر بطلان تصرفات حاصل از این طریق را دارا باشد. لازم به ذکر است همان‌طور که شیخ انصاری فرمود، ملاک مالیت داشتن، تشخیص عرف است. در واقع، عرف هر چیزی که برای بشر مفید و دارای منفعت بوده و بتواند یکی از نیازهای وی را برآورده کند و هم‌چنین مورد رغبت عقلا نیز باشد، مال می‌داند؛ چه آن شیء از امور تکوینی مثل لباس، غذا و مسکن باشد و چه از امور اعتباری مثل اسکناس؛ چه از سنخ اعیان باشد و چه از سنخ افعال (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ۲۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۰). البته اگر دلیلی از جانب شرع رسیده باشد و مالیت شیئی را نفی یا اثبات کند، بر عرف مقدم خواهد شد. به همین دلیل، فقها برای امثال خمر و خنزیر، قائل به مالیت نیستند (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ۴). پس با تفسیر عرف و تأثیر آن بر مفهوم باطل و مطالبی که در این خصوص گفته شد می‌توان ادعا کرد که برای این قاعده امروزه می‌توان مصادیق متعددی را بیان کرد از جمله اینکه اعمال و اقدامات تورم‌زا از طرف افراد یا نهاد های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مشمول همین قاعده گشته و عواید مالی که این طریق نصیب فرد یا گروه خاصی شود به جهت حرمت اضرار به دیگران و نیز نظر به اضراری که به اقتصاد جامعه وارد می‌کند محکوم به بازگشت خواهد بود و این پشتوانه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال خود را به صورت باطل و از طرق نامشروع نخورید؛ مگر اینکه بر اساس معامله ای با رضایت طرفین باشد و خودتان را نکشید! همانا خداوند نسبت به شما مهربان است، در آیه ۱۶۱ از همین سوره نیز در مفهومی نزدیک با آیه فوق می‌فرماید: هم‌چنین به‌خاطر ربا گرفتن درحالی‌که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به طریقه باطل برای آن کافران عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم. علاوه بر این‌ها در آیه ۱۸۸ سوره بقره آمده است: اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به طریقه گناه آن را (به‌عنوان رشوه) به قضاوت ندهید، درحالی‌که می‌دانید این کار گناه است! از منظر فقهای امامیه، اکل مال به باطل، تصرف در مال به دست آمده از راه نامشروع است. این قاعده مصادیق فراوانی داشته و در ابواب مختلف فقه از جمله بیع، مکاسب و معاملات کاربرد دارد.

باطل مفهوم گسترده‌ای دارد و تمام تصرفات، اعم از تصرفات مالی و غیر مالی، تصرفات عدوانی، قمار، ربا، رشوه، غصب و غیره را شامل می‌شود. البته در شناخت مصادیق باطل باید اصل زمان و مکان را نیز در نظر گرفت. از دیدگاه شیخ انصاری و بسیاری از فقهای بنام دیگر ملاک در تشخیص باطل، فهم عرف است و هر چه را که عرف باطل بداند مصداق اکل مال به باطل می‌باشد (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ۲۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ۶۴/۱). برخلاف برخی از فقها که قائل به باطل شرعی در این قاعده هستند. البته در مواردی که بین فهم عرف و فهم شرع تفاوت باشد، باید نظر شرع، مقدم داشته شود. شیخ انصاری در تحقق مالیت، افزون بر منافع، حلیت و اعتبار عقلاً

می‌گیرد. با توجه به اینکه، یاری رساندن به عمل ستم و ظلم، در آموزه‌های اسلامی پذیرفتنی نیست، به تبع آن، عرصه اقتصادی و زندگی روزمره شهروندان نیز باید از لوث این اعمال پاک شود، وظیفه سیاست-گذاران کیفری است که بتوانند نسبت به شناسایی، مجازات و تعیین مقررات جامعی برای مقابله با این دسته از افعال بکوشند. مثلاً یکی از کارهایی که اقتضا می‌کند در پرتو عمل به این قاعده صورت گیرد این است که مدیران جامعه برای مدیریت بازار و کمک نکردن به اخلاط‌گران اقتصادی، برای کالاهای موجود در بازار، قیمت تعیین کنند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۴۴۴). برخی از فقهای امامیه عقیده دارند که نهی در آیه مذکور دلالت بر حکم الزامی تحریم دارد و مستند این نظر را هم می‌توان ظهور نهی در تحریم دانست (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ۱۳۲). از همین بابت می‌توان استناد کرد سکوت قانون‌گذار در برابر اقدامات تورم‌زا که هم فی نفسه موجب خسارت و ضرر بر جامعه می‌گردد و هم اسباب ظلم به اقشار ضعیف جامعه را فراهم می‌کند خود ظلمی دیگر است و بر قانون‌گذار واجب است که خود را از موضع معاونت در ایجاد تورم رها نکرده و این دست اقدامات را جرم‌انگاری کند. ناگفته نماند که در تحقق مفهوم اعانت قصد اعانت یا صدق عرفی مفهوم آن معتبر است و در بسیاری از اقدامات تورم‌زا نظیر خلق پول و افزایش حجم نقدینگی و بی‌انضباطی در تامین بودجه و کسری بودجه دولت، افزایش تقاضای کاذب و تحریک تقاضا در جامعه شائبه دخالت دولت‌ها و تقصیر آن‌ها وجود داشته و همین مسئله در کنار غفلت از جرم‌انگاری صریح نسبت به آن می‌تواند شائبه وجود قصد مذکور یا دست کم صدق عرفی این قصد را تقویت نماید. بدین ترتیب سیاست‌گذاری

فقهی دلیل دیگری است که سیاست‌گذار کیفری می‌تواند بر مبنای این قاعده نسبت به جرم‌انگاری فعالیت‌های تورم‌زا اقدام نماید.

این قاعده در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته و اقدامات تورم‌زا را نیز می‌توان یکی از مصادیق آن به‌شمار آورد؛ ولی عملکرد مقنن از بابت کلی‌گویی این‌چنینی و در یک ردیف قرار دادن این اعمال که اثرات منفی آن بر جامعه بیش از هر زمان دیگری معلوم است با رفتارهایی نظیر خرید و فروش موافقت‌نامه اصولی، صحنه‌سازی تصادف وسایل نقلیه برای اخذ نابه‌حق خسارت از شرکت‌های بیمه، برداشت متصدی بانک از حساب مشتری و ... که مصادیق دیگر این ماده به‌شمار می‌آیند قابل انتقاد و نشان دهنده غفلت او نسبت به این موضوع است و ضرورت ایجاب می‌نماید که به‌طور خاص مورد توجه و جرم‌انگاری مقنن قرار بگیرد.

۵-۲-۳. قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

یکی دیگر از قواعد فقهی به‌عنوان پشتوانه فقهی سیاست جنایی تقنینی ایران در باب جرائم اقتصادی به‌خصوص اقدامات تورم‌زا، قاعده حرمت تعاون بر گناه و ظلم است که در بحث سیاست‌گذاری کیفری باید مورد توجه قرار بگیرد، این قاعده بر گرفته شده از آیه ۲ سوره مائده «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» می‌باشد و مبنای سیاست‌گذاری کیفری در برابر عمل معاونت بر جرم است به شرطی که علم نسبت به تحقق فعل حرام توسط معاون وجود داشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ۲۸۵). بر مبنای قاعده مذکور، کسی که به تحقق فعل حرام، کمک می‌نماید متخلف قلمداد شده و مشمول نهی پروردگار قرار

کیفری بر مبنای قاعده فقهی حرمت اعانت بر گناه و ظلم، راهی برای مقابله اعمالی است که از طریق یاری رساندن به دیگران برای انجام رفتارهای محل نظام اقتصادی دنبال می‌شود (همان، ۱۳۳).

۵-۲-۴. اصل حرمت احتکار

برای پی بردن به نقش سیاست‌گذاری اسلام در مبارزه با جرائم اقتصادی می‌توان به اصل ممنوعیت احتکار نیز اشاره نمود، احتکار به معنای جمع و حبس کالا و طعام است به انتظار زمان گرانی (ابن منظور، ۱۳۷۵، ۴، ۲۰۸). در اصطلاح اقتصاد اسلامی نیز احتکار به جمع و حبس اموالی که مردم بدان نیاز دارند به هدف گران شدن آن، تعریف شده است (ایروانی، ۱۳۹۳، ۶۷).

احتکار یکی از مصادیق برجسته اقدامات تورم زاست که از سوی بسیاری فقهای امامیه مورد تحریم قرار گرفته است. فقهای اسلام برای حرمت یا دست‌کم کراهت عمل احتکار به روایاتی از پیامبر اسلام (ص) و فرمان علی (ع) به مالک اشتر مبنی بر جلوگیری از احتکار، استناد می‌کنند (حسینی عاملی، بی‌تا، ۱۰۷/۴؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۱۶۵).

روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که می‌فرماید: الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳، ۲۷۸): آنانکه به بازار ما چیزی وارد می‌کنند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و آنکه در بازار احتکار می‌نماید، مانند کسی است که در کتاب خدا کافر به‌شمار می‌آید. واردکننده روزی می‌خورد و محتکر لعنت می‌برد. در روایت دیگر از ایشان آمده است: الجالب مرزوق و المحتکر ملعون (همان) در این

روایت آن حضرت انسان محتکر را در ردیف کفار محسوب نموده و ملعون می‌داند. و در کلامی دیگر می‌فرماید: من احتکر الطعام اربعین یوما ثم تصدق به لم تکن صدقته کفاره الاحتکار (موجه البیضاء، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۶۶). کسی که مواد غذایی مورد استفاده مردم را به مدت چهل روز احتکار نماید و سپس آن را صدقه دهد، کفاره گناه احتکارش نخواهد شد. در اسلام صدقه دادن از جمله کارهایی است که ثواب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است؛ ولی گناه احتکار مایحتاج روزمره مردم، به قدری سنگین است که اگر محتکر تمام اموال احتکارشده را در راه خدا صدقه بدهد و در بین مردم تقسیم نماید، باز هم کفاره آن نخواهد بود. آن حضرت در یکی دیگر از فرمایشات خود چنین فردی را منفور درگاه الهی بیان کرده و می‌فرماید: من احتکر الطعام اربعین یوما فقد بری من الله و بری الله منه (سنن ابن ماجه، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ۷۲۸): هر کس ارزاق عمومی را به مدت چهل روز احتکار نماید، از خداوند بیزار جسته و خداوند هم از وی بیزار است. در جای دیگر از امام کاظم (ع) نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمود: لئن یلقى الله العبد سارقاً احب الی من ان تلقاه قد احتکر طعاماً اربعین یوما (همان) اگر خداوند بنده‌ای را در حال سرقت ملاقات کند، در نزد من محبوب‌تر است از اینکه ملاقات کند او را در حالی که آذوقه مردم را چهل روز احتکار نماید. از این فرمایش حضرت بزرگی گناه احتکار مایحتاج مردم معلوم می‌شود که گناه آن بسیار سنگین‌تر از سرقت می‌باشد. زیرا اکثر سارقان به خاطر فقر و نداری، مجبور به سرقت می‌شوند؛ ولی انسان محتکر با داشتن اموال و دارایی‌های فراوان به چپاول دست می‌زند و شاید بشود گفت که احتکار یکی از دلایل اصلی تورم است و تورم باعث فقر و فقر

اسناد. ناگفته نماند که هر نوع جرم‌انگاری از سوی قانون‌گذار اشاره‌ای ضمنی به ضرر و زیانی است که آن رفتار مجرمانه به صورت مادی یا معنوی به فرد یا افراد جامعه وارد می‌کند و اصولاً مجازات آن فعل و یا ترک به‌خاطر این است که آن رفتار برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه افراد از آن برخوردار باشند مضر است (دانشور ثانی، ۱۳۸۲، ۲۸). بنابراین قاعده فقهی «لاضرر» از جمله مهم‌ترین قواعد فقهی است که به‌عنوان یکی از مبانی فقهی در سیاست‌گذاری‌های جنایی در قبال جرائم اقتصادی مد نظر گرفته شده است. این قاعده در حوزه اقتصاد مورد استفاده و کاربردهای زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به ایجاد حق فسخ یک-طرفه معامله در جایی که فرد، متضرر و مغبون شده باشد (خیار غبن) یا کالا معیوب باشد اشاره نمود (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ۴۲) که در این صورت، مشمول این قاعده خواهند بود. هم‌چنین ممنوعیت تبانی در ایجاد بازار انحصاری به هدف بالابردن قیمت و اضرار به مردم که باعث ایجاد مشکلات و ضرر رساندن به آنان شود به همین دلیل است. علاوه بر این، سیاست‌گذاری کیفی تنها به رفتارهای تولیدکنندگان و مدیران اقتصادی معطوف نمی‌شود؛ بلکه در حوزه مصرف نیز دارای کاربرد است، مطابق این قاعده هر فعالیت اقتصادی که برای فرد زیانی در پی داشته باشد، جایگاهی در عرصه اقتصادی ندارد و سیاست‌گذاری کیفی نباید از این مسئله غفلت ورزد. بر اساس قاعده فقهی لاضرر و اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این خصوص در قبال مبارزه با جرائم اقتصادی می‌توان به جرم رانت‌خواری اشاره نمود که اگر در سطح بالایی صورت گیرد، به‌عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور شناخته می-

موجب سرقت می‌شود. بنابراین محکوم هم خود به چپاول اموال مردم می‌پردازد و هم به نحوی باعث سرقت دیگران می‌شود. پس با این اوصاف جامعه اسلامی نیازمند اتخاذ نوعی سیاست‌گذاری است که بتواند با محکومان مبارزه و رویه ای استوار برای برقراری آرامش فراهم نماید. علت حرمت احتکار بنا بر کلام برخی از فقها، نیاز مردم به آن مال احتکار شده، دانسته شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ۱۱۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ۴) و نیز فلسفه حرمت احتکار جلوگیری از اختلال نظام و ایجاد عسر و حرج برای مردم ذکر شده است (محقق داماد، ۱۳۷۳، ۶۴۲). بنابر قیاس منصوص العله که از باب حجیت ظواهر مورد تایید اکثر علمای امامیه است (مظفر، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ۱۸۲).

می‌توان حرمت اقدامات تورم‌زا را با این استدلال که مهار و دفع تورم یکی از نیازهای ضروری هر جامعه است استنباط نمود و اتخاذ سیاست جنایی مناسب در قبال احتکار و مبارزه با آن به‌عنوان یکی از مفاسدی که جامعه را از نظر اقتصادی تهدید می‌کند و موجب تورم پولی و افزایش قیمت‌ها می‌گردد و انسان‌ها را جهت تهیه مایحتاج خود به عسر و حرج می‌اندازد و اخلال در نظام اقتصادی به وجود می‌آورد باید از اولویت‌های تقنینی باشد.

۵-۲-۵. قاعده لاضرر

یکی از شرایط تحقق جرائم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته‌های جعلی به جامعه وارد می‌شود و گاهی در بر دارنده ضرر بالقوه خواهد بود؛ مثل جعل اسکناس یا سکه یا

اقتصادی نیز تأمین باشند (قصص/۵۷). از این رو با توصیف مکه به شهر امن (تین/۳) بر اهمیت امنیت توجه می‌دهد. هم‌چنین خداوند شهر و جامعه نمونه را جامعه‌ای می‌داند که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان و آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع به آرامش و آسایش است (نحل/۱۱۲). هم‌چنین خداوند در آیه ۱۰۸ سوره بقره، در تبیین ویژگی‌های شریعت اسلام، به این نکته توجه می‌دهد که اسلام مردم را به برقراری صلح و امنیت اجتماعی دعوت می‌کند و خود در ایجاد و گسترش آن تلاش دارد. این مسئله بیانگر اهمیت و ارزشی است که امنیت در فرهنگ اسلام دارد.

مقوله امنیت و اهمیت آن در احادیث اهل بیت (ع) نیز فراوان مورد تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه پیامبر (ص) امنیت یکی از چهار نعمتی است که با آن نعمت‌های الهی، کامل می‌شود. ایشان می‌فرماید: هر کس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز، برخوردار باشد، نعمت دنیا را کامل دارد: کسی که بام و شامش را در تندرستی و امنیت و آسایش خاطر بگذراند و خوراک روزانه خود را داشته باشد. حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت، اسلام است (کلینی، پیشین، ج ۸، ۱۲۷). از نظر امیر مؤمنان علی (ع) نعمت امنیت، گواراترین نعمت برای بشر است. ایشان می‌فرماید: نعمتی گواراتر از امنیت نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ج ۶، ۴۳۵). آرامش و آسایش دو عنصر اساسی به وجود آورنده سعادت و خوشبختی هستند؛ اما از نظر اهمیت، امیر مؤمنان، آرامش را مقدم و برتر از آسایش می‌داند. زیرا به نظر

شود (ساک، ۱۳۸۹، ۲۵). هم‌چنین می‌توان بر مبنای این قاعده، به جرم‌انگاری احتکار توجه نشان داد چراکه احتکار نوعی پنهان‌سازی کالا با نتیجه بالا بردن قیمت و ایجاد تورم پولی است که باعث اضرار به مردم می‌شود (توتونچیان و خزایی، ۱۳۹۹، ۸).

کاربرد دیگری که قاعده فقهی لاضرر در تبیین جرم‌انگاری اقدامات تورم‌زا ایفا می‌کند، توجه به قاچاق کالا است. زیرا در قاچاق کالا محصولات که بدون ضمانت از مجاری قانونی وارد می‌شوند موجبات ضرر به تولیدکنندگان و عموم جامعه را فراهم می‌کنند. با توجه به مطالب فوق‌الذکر و کاربردهای فراوان قاعده لاضرر این مهم به دست می‌آید که قاعده مذکور یکی از پشتوانه‌های مهم فقهی سیاست جنایی تقنینی ایران در برخورد با جرائم اقتصادی و خصوصاً اقدامات تورم‌زا، محسوب می‌شود و قانون‌گذار می‌تواند با استناد به این قاعده فقهی به جرم‌انگاری افعال تورم‌زا یا تشدید مجازات متخلفانی که رفتارشان موجب تورم نقدینگی و افزایش قیمت‌ها می‌شود و اذهان عمومی را مشوش می‌سازند، اقدام کند.

۵-۲-۶. اصل حفظ نظم و امنیت

از جمله پشتوانه‌های فقهی دیگری که در عرصه سیاست‌گذاری‌های جنایی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، اصل مهم برقراری نظم و امنیت است که شئون مختلفی دارد و نظم و امنیت اقتصادی از مهم‌ترین بخش‌های آن محسوب می‌شود، خداوند در آیات قرآن بر اهمیت و ارزش امنیت تأکید بسیار داشته و به قریش این منت را می‌گذارد که ایشان را از نظر اقتصادی و جانی در امنیت قرار داده است. (قریش / ۴) از نظر قرآن بهترین مکان‌ها جایی است که امنیت در آن حاکم باشد و مردم از نظر

۵-۲-۷. اصل عدالت اقتصادی

قاعده فقهی دیگری که می‌تواند به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری کیفی در عرصه اقتصاد قلمداد گردد، توجه به اصل عدالت اقتصادی یا توزیع منصفانه ثروت است که در سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله اینکه روایت شده است، علی علیه السلام در بیت المال به طور مساوی عمل می‌کرد و می‌فرمود: «من در قرآن تفاوتی بین فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق نمی‌بینم» (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ۸۱).

این رویکرد فراگیر و عادلانه نشانگر آن است که سیاست‌گذاری کیفی در اسلام باید بر محوریت انصاف و عدالت صورت گیرد. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین اصول تجارت، انصاف و عدالت است که در نهج‌البلاغه به این مسئله چنین اشاره شده است که می‌فرماید: باید خرید و فروش آسان باشد و با میزان عدل صورت گیرد (سید رضی، ۱۳۸۶، نامه ۵۱).

بنابراین از دیدگاه اسلام اجرای انصاف و عدالت باید در تمام حوزه‌ها مخصوصاً حوزه‌های اقتصادی حاکم باشد و این اصل لازم است یکی از اصول اساسی سیاست‌گذاری کیفی قلمداد شود. در این باره میتوان به برخی از آیات و روایات در این زمینه اشاره نمود. برای نمونه کم‌فروشی به‌عنوان مصداقی برای عدم تعادل در عرصه اقتصاد است که در قرآن و روایات نکوهش فراوان شده است؛ از جمله در آیات آغازین سوره مطففین به کم‌فروشان و فرجام آنان اشاره دارد، همین‌طور قرآن کریم در ۲۱ آیه به گونه‌ای مستقیم یا به‌صورت اشاره به این موضوع مهم پرداخته است. از جمله آنکه آمده است: حق پیمان‌ها و

ایشان، آسایش در سایه‌سار آرامش و امنیت تحقق می‌یابد. ایشان می‌فرماید: آسایش زندگی، در گرو آرامش و امنیت است (همان، ج ۴، ۱۰۰). نظم و امنیت اقتصادی باعث تنظیم روابط زندگی افراد در حوزه‌های مختلف می‌شود و اقدامات تورم‌زا در نقطه مقابل آن قرار دارد که مقابله با این تهدیدات نیازمند سیاست‌گذاری کیفی مناسبی است. مظاهر و مصادیق اصلی برقراری نظم در نظام اقتصادی که می‌توانند به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شوند، امروزه متعدد هستند و پر واضح است که برخی از جرائم اقتصادی در شرایط خاصی ممکن است باعث تهدید نظم جامعه گشته و برهم زدن امنیت عمومی در پی داشته باشد.

مسئله‌ای که در اینجا قابل طرح است انجام وظایف دولت برای برقراری نظام عادلانه و جلوگیری از تکاثر ثروت نامشروع و حتی استرداد آن‌ها به بیت‌المال است. زیرا هم باعث تضمین حقوق افراد جامعه و هم موجب نفی فعالیت‌های ناسالم اقتصادی از جمله انحصار اموال توسط مفسدان اقتصادی می‌شود و هم تا حدودی امنیت اقتصادی تضمین می‌شود. به همین دلیل است که دولت‌ها وارد عرصه اقتصادی می‌شوند و برخی از مسؤولیت‌های مهم اقتصادی را بر عهده می‌گیرند (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۹۱). جمع آیات و روایات فوق این پیام را می‌رساند که حفظ امنیت اقتصادی یکی از شئون مهم امنیت در جامعه است که هر گونه سهل‌انگاری در این زمینه ظلمی فاحش است و دلیل راسخی بر وظیفه دولت‌ها در مقابله با چنین اقداماتی به‌شمار می‌آید.

نرخ سود، بر اساس قانون عرضه و تقاضا و به اندازه هزینه‌ها و کارهایی است که در تولید و توزیع کالا انجام می‌شود. به دیگر سخن، سود عادلانه، سودی است که به هیچ یک از دو طرف معامله، زیان و اجحافی نشود. چنان که امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند: «با نرخ‌هایی که به زیان فروشنده و خریدار نباشد، دادوستد کنید» (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ۸۱) و پر واضح است اقداماتی که به هر دلیل نتیجه آن تورم در جامعه باشد طبق مطالب ذکر شده محکوم است.

۵-۲-۸. اصل مصلحت‌گرایی

در مورد مصلحت تعریف واحدی وجود ندارد؛ اما برخی آن را چنین تعریف کرده‌اند: مصلحت عبارت است از آنچه با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد (هاشمی، ۱۳۸۱، ۳). تعریف نسبتاً جامعی که از مصلحت در امور حکومتی به عمل آمده چنین است: مصلحت عبارت است از تدبیری که دولت اسلامی به منظور رعایت منافع مادی و معنوی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شارع مقدس اتخاذ می‌کند (همان، ۵).

از منظر فقه شیعه، مصلحت به‌عنوان یک منبع مستقل در استنباط احکام شرعی شناخته نمی‌شود؛ اما در فقه اهل سنت، مصلحت یک اصل مورد تأیید و در صورتی که معارض با نص شرعی نباشد قابل استناد است؛ ولی فقهای امامیه مصلحت را به‌عنوان قاعده فقهی در حد و اندازه‌ای می‌دانند که به هنگام بروز تراحم در مقام اداره امور جامعه، توسط حکومت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (افتخاری، ۱۳۸۴، ۱۷). مجموعه‌ای احکام شرعی مبتنی بر جلب

وزن را به عدالت ادا کنید (انعام / ۵۲). یا در آیه دیگری آمده است: حق پیمانانه و وزن را ادا کنید (اعراف / ۸۵) و از اموال مردم چیزی نگاهید (رحمن / ۹) آنچه از آیات و روایات بر می‌آید، این است که کم‌فروشی، مایه استثمار و فسادانگیزی در جامعه است. قرآن کریم در جای دیگری هشدار می‌دهد: ای قوم من، پیمانانه و ترازو را به‌طور کامل و با عدل و انصاف بسنجید و هنگام وزن کردن و پیمانانه نمودن کالاهای مردم، از آن‌ها نگاهید و در زمین تبه‌کارانه به فساد برنخیزید (هود / ۸۵) بر مبنای آیات شریفه، این اعمال به‌مثابه ارتکاب گناه کبیره محسوب می‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۱۲۹ / ۲).

طبق آیه ۸۵ سوره هود، کم‌فروشی معنای فراگیری دارد که هر گونه کاستی در خدمات به مردم را هم می‌تواند در بر بگیرد. در هر صورت، کم‌فروشی از مصادیق بی‌عدالتی در عرصه اقتصادی است و سیاست‌گذاری کیفی نیازمند به تعقیب راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از این رویه مسموم است و یکی از راه‌های برقراری این شرایط مطلوب، جلوگیری از تکاثر ثروت و نابرابری میان اقشار مختلف جامعه است. هم‌چنین راه دیگر، حمایت از حقوق فقرا و محرومان، مقابله با ظلم، ویژه‌خواری، فسادهای مالی و در نهایت تقسیم عادلانه ثروت‌های ملی و امکانات زندگی است که مبارزه با اقداماتی که در جامعه تورم به وجود می‌آورند از مصادیق اتم و اکمل توجه سیاست‌گذاران به رعایت عدالت اقتصادی است. اصل توزیع منصفانه ثروت با سود عادلانه نیز مرتبط می‌گردد بدین معنا که سازوکارهای اقتصادی نباید به نحوی باشد که باعث برهم خوردن عرضه و تقاضا و توزیع نامتوازن سود شود. دیدگاه آموزه‌های دینی،

تحریم آن تصریح نشده است جایز می‌داند. البته به شرط آنکه مصلحت عامه، اقتضای تعزیر را داشته باشد. تأسیس مزبور در فقه عامه مبتنی بر این قاعده است که ضرر خاص برای دفع ضرر شدید عام تحمل می‌شود (عوده، ۱۳۷۳، ج ۱، ۱۷۵).

نظر به دیدگاه فقها اگرچه رفتار ارتكابی به خودی خود حرام نیست، به دلیل وصف خاصی که پیدا می‌کند می‌تواند تبدیل به فعل یا ترک فعل حرام شود. جرائم مالیاتی و جرائم گمرکی مثال‌های هستند که در آن رفتار ارتكابی به خودی خود جرم نیست؛ بلکه به دلیل عدم پرداخت مبلغی که حکومت اسلامی پرداخت آن را جهت حفظ نظام اقتصادی ضروری دانسته است این رفتارها جرم‌انگاری شده‌اند. در این جرائم، وصفی که دلیل مجازات است عبارت از اضرار به جامعه و نظم عمومی است. هرگاه این وصف در رفتار مرتکب وجود داشت، مستحق مجازات خواهد بود و حاکم باید او را به یکی از مجازات‌های تعزیری که آن را مناسب تشخیص می‌دهد، محکوم کند یا مثلاً جرایم گمرکی نیز در زمره احکام تعزیری است که از سوی حکومت وضع شده است (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به این کاربردهای قاعده مصلحت و مقبولیت آن نزد جمهور فقهای اسلامی، این قاعده می‌تواند یکی دیگر از پشتوانه‌های فقهی سیاست جنایی در برخورد با جرائم اقتصادی و جرم‌انگاری اقدامات تورم‌زا محسوب گردد.

۵-۲-۹. دلالت عقل

یکی از مهم‌ترین منابع احکام در اسلام عقل است و عقل در کنار قرآن، سنت و اجماع، از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی مذهب شیعه است. عالمان شیعه برخی از قواعد فقهی و اصولی را نیز از راه عقل

مصلحت و دفع مفسده از زندگی است؛ مصلحت به دو بخش عام و خاص تقسیم می‌شود و آنچه در اولویت شرع قرار دارد، تقدم مصلحت عام بر خاص است. تقدم جهاد بر آب دادن به حجاج و آبادنی مسجدالحرام و امور خانوادگی (توبه/۴-۱۹)، نهی از سپردن اموال به سفیهان (نسا/۵)، به اجرا گذاشتن حکم قصاص (بقره/۷۹) و همچنین نهی از تلقی رکنان و احتکار، از نمونه‌های آشکار تقدم مصلحت عام بر خاص در نصوص دینی است.

در نتیجه حاکم می‌تواند صرفاً به دلیل حفظ مصالح اجتماعی مرتکبین خلاف مصالح عمومی را تعزیر نماید، برای نمونه می‌توان به صدور اجناس مورد نیاز مردم از کشور به خارج که سبب میشود قیمت این-گونه اجناس بالا رود و در نهایت موجب تورم پولی گردد و نیز موارد دیگر اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های محوله به دولت‌ها و حکومت‌ها، تأمین امنیت اجتماعی به‌ویژه سلامت روابط اقتصاد و جلوگیری از تخلفات و نابه‌سامانی‌ها موجود در بازار و اوضاع و احوال حاکم بر دادوستد مردم بوده است. بنابراین از نظر فقهای متأخر امامیه، حکومت اسلامی می‌تواند هر قانونی که مطابق با مصلحت نظام است، وضع و ناقضان آن را تعزیر کند (عینی نجف‌آبادی، ۱۳۷۲، ۱۰۶).

این اصل مختص امامیه نیست و از نظر فقهای عامه هم مصلحت اجتماعی می‌تواند مبنای وضع احکام تعزیری باشد و در همین خصوص قاعده فقهی «التعزیر للمصلحه العامه» را مطرح می‌کنند و معتقدند اگرچه در شریعت اسلام در ارتكاب معاصی اصل بر اجرای تعزیر است. شریعت به‌طور استثنایی اعمال تعزیر در غیر معصیت یعنی مواردی که به

۲- اقدامات تورم‌زا تعریف خاص خود را دارند و باید آن‌ها را از عناوین مجرمانه‌ای نظیر افساد فی الارض و قاچاق کالا و ارز، پول‌شویی، احتکار، ربا و رباخواری، رشا و ارتشا تفکیک کرد و برای آن شأن جداگانه متصور شد که اگرچه در بعضی از حالات ممکن است با آن‌ها هم‌پوشانی داشته باشد؛ ولی می‌توان تصور کرد رفتاری جزو عناوین مجرمانه فوق‌الذکر نباشد ولی موجب تورم در جامعه گردد و نظر به تبعات منفی آن نباید از دید قانون‌گذار مخفی بماند.

۳- قواعدی نظیر افساد فی الارض، اکل مال بباطل، حرمت تعاون بر اثم و عدوان، لاضرر و اصولی نظیر حرمت احتکار، حفظ نظم و امنیت، عدالت اقتصادی و نیز اصل مصلحت‌گرایی در تجریم این رفتارها نقش به‌سزایی دارند.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

اثبات می‌کنند. مراد از دلیل عقلی، هر حکم عقلی است که توسط آن می‌توان به حکم شرعی رسید و از علم به آن، به حکم شرعی دست یافت (میرزای قمی، ۱۳۲۴، ج ۲، ۲). به‌طور کلی باید گفت آنچه به وسیله عقل درک می‌شود بر دو گونه مستقلات عقلی و غیر مستقلات عقلی پایدار است.

مستقلات عقلی بخشی از مدرکات عقل است که عقل به‌طور مستقل و بدون هدایت شارع، آن‌ها را درک می‌کند مانند ادراک حسن عدل و قبح ظلم و غیر مستقلات عقلی بخشی از مدرکات عقل است که عقل به‌طور مستقل قادر به درک آن‌ها نیست؛ بلکه در بعضی از مقدمات نیاز به ارشاد و هدایت شارع دارد مانند: وجوب مقدمه واجب و قبح عقاب بلابیان (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ۵۰ و صدر، بی‌تا، ج ۱، ۳۶۱). نکته قابل تأمل در این خصوص آنست که ارجحیت عقل، هم به حکم عقل و هم به تأیید شرع ثابت است و اساساً حقانیت شرع و اصول دین به حکم عقل ثابت می‌شود. در اینجا هم به نظر می‌رسد قباحت افعالی که موجب تورم در جامعه می‌شوند مانند قباحت ظلم در زمره مستقلات عقلی باشد. چراکه به محض درک ماهیت رفتار، عقل به زشتی آن حکم می‌دهد و فطرت سالم بی‌پرده از آن گریزان است و اگر هیچ‌کدام از ادله فوق هم وجود نداشت صرف دلالت عقل برای جرم‌انگاری این افعال کافی به نظر می‌رسید.

۶. نتیجه

۱- خلأ تقنینی جرم‌انگاری صریح و مشخص اقدامات تورم‌زا که دارای توجیه فقهی لازم است در نظام کیفری ایران احساس شده و ضروری است که مقنن هرچه زودتر به رفع این نقیصه همت گمارد.

- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۶۴.

- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح القواعد العلامه، تصحیح محمد باقر حسینی شهیدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

- حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۶.

- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.

- خوبی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد دوم، قم، مکتبه الشهداء، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ ق.

- دانشور ثانی، رضا، ماهیت جرم اخلاص در نظام اقتصادی کشور مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوقی، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۲.

- زمانی، علی اکبر، «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۷، ۱۳۸۸.

- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفی اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.

- سعدی، عبدالرحمن، چاپ اول، تیسیر الکریم الرحمن، قاهره، دار ابن الجوزی، ۲۰۰۱ م.

- سید رضی، ترجمه فارسی نهج البلاغه، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۶.

- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، شرح محمد سعیدکلانتری، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.

منابع

قرآن کریم

- ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالنور، مکتبه الحدیث النبوی، ۱۴۱۲ ق.

- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار العربیه، ۱۳۷۵.

- اردبیلی، احمد، زبده البیان فی براهن احکام القرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤمنین.

- اسماعیلی، اسماعیل، «اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری»، مجله فقه، شماره ۱، ۱۳۷۳.

- افتخاری، اصغر، مقام مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی، دانش سیاسی، شماره اول، ۱۳۸۸.

- ایروانی، جواد، آشنایی با اقتصاد اسلامی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۳.

- انصاری، مرتضی، المکاسب، تهران، چاپ افست، ۱۴۲۲ ق.

- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۳.

- تمیمی واحدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محسن موسوی، چاپ دوم، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۵.

- توتونچیان، مهتری؛ خزایی، احمدرضا، «کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره دوم، شماره ۱، ۱۳۹۹.

- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۸۵، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، جلد چهارم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- صادقی، میرمحمد حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- صدر، سید محمد، بی تا، دروس فی علم الاصول، قم، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، نشر ناصر خسرو، ۱۳۸۴..
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب، ۱۳۶۵.
- طوسی، محمد بن حسن، نهاییه، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۰۰ق.
- طیار، آذربانو، سیاست‌های جنایی ایران در زمینه مواد مخدر، قم، مجتمع آموزشی عالی، ۱۳۸۲.
- عثمانی، محمدتقی، اقتصاد اسلامی، پشاور، انتشارات جنگی، ۱۳۸۹.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- عینی نجف‌آبادی، محسن، مبناء و ماهیت تعزیر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۳۸۳.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضا، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۳.
- قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲.
- قهرمانی، بابکپور؛ علیزاده، سونیا، «مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز در ایران»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، دوره اول، شماره ۲، ۱۴۰۱.
- قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵.
- گولد، وکولد، ۱۳۸۴، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی، چاپ دوم، تهران، نشر مازیار، ۱۳۸۴.

- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابراندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- ماجدی، علی؛ گلریز، حسن، پول و بانک، انتشارات بانک مرکزی، ۱۳۶۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۸۴.
- مرعشی، محمدحسن، «محرابه و افساد فی الارض»، مجله دادرسی، شماره ۹، ۱۳۷۷.
- مصلی‌نژاد، عباس، «سیاست‌گذاری اقتصادی نهادگرا در ایران؛ رهیافت‌ها، فرآیندها و چالش‌ها»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره اول، ۱۳۹۹.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی ۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- مهدی، محمد؛ ساداتی، سید محمد، «مبانی جرم‌انگاری جرائم اقتصادی در فقه امامیه»، دانشنامه تهران، دوره سوم، شماره اول، ۱۳۹۶.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، چاپ ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، کتاب البیع، جلد اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، بی‌جا، ۱۳۲۴.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد چهل و یکم، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، تهران، انتشارات قائم آل علی، ۱۱۷ق.
- هاشمی، سیدحسین، مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحلیل مبانی فقهی و حقوقی، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۱.